

# نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران / سال پانزدهم، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ۱۷۹-۲۱۰

مقاله پژوهشی

## اثر مهاجرت بر کیفیت زندگی: مطالعه موردی خانواده‌های مهاجر کوهدشتی ساکن شهر قدس و هم‌تایان غیر مهاجر ساکن شهرستان کوهدشت

جواد حدادی نسب<sup>۱</sup>، حسین محمودیان<sup>۲</sup>

چکیده

الگوی کلی مهاجرت در کشورهای در حال توسعه، مهاجرت از مناطق کمتر توسعه یافته به مناطق توسعه یافته تر است. چنین مهاجرتی عمدتاً در پاسخ به نابرابری‌های بین مناطق، در جهت ارتقاء کیفیت زندگی، انجام می‌گیرد. این مطالعه در پاسخ به این سوال است که آیا مهاجرت تغییری در کیفیت زندگی، در مقایسه با مبدا، ایجاد می‌کند؟ جامعه آماری پژوهش، سرپرستان خانواده‌های مهاجر کوهدشتی ساکن در شهر قدس تهران و سرپرستان خانواده‌های غیر مهاجر هم‌تای آن‌ها ساکن در شهرستان کوهدشت را در بر گرفته است. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه بدست آمده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، ۴۰۰ خانوار (۲۰۰ نفر مهاجر و ۲۰۰ نفر غیرمهاجر) انتخاب شدند. جهت بررسی فرضیات تحقیق از آزمون‌های آماری T، آزمون کی‌دو و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که خانواده‌های مهاجر در مجموع از کیفیت زندگی نسبتاً مطلوب‌تری نسبت به هم‌تایان غیرمهاجر خود برخوردار بوده‌اند. افراد دارای تحصیلات کمتر و غیرشاغل، کیفیت زندگی بالاتری را گزارش کرده‌اند. نابرابری در امکانات اقتصادی و اجتماعی دو منطقه و تفاوت در ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی مهاجران و غیرمهاجران تبیین‌کننده اصلی این تفاوت می‌باشند.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، مهاجر، غیر مهاجر، کوهدشت، شهر قدس

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۰۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۹/۰۴

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران javadhadadi1992@gmail.com

۲ دانشیار جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) hmahmoud@ut.ac.ir

Doi: [10.22034/jpai.2021.117543.1129](https://doi.org/10.22034/jpai.2021.117543.1129)

## مقدمه و طرح مسئله

امروزه بهبود کیفیت زندگی هدف توسعه در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی است و آینده بشر متکی بر درک بهتر عواملی خواهد بود که بر کیفیت زندگی تأثیرگذارند. حیطة مربوط به کیفیت زندگی و سنجش آن شاید در هیچ زمانی به اندازه‌ی امروز وسیع نبوده است. علیرغم توجه روزافزون به کیفیت زندگی، همچنان کیفیت زندگی، چه در بین کشورها و چه در بین مناطق در هر کشور، تفاوت‌های معنی‌داری دارد. بنابراین سوال کلی در این مورد این است که کیفیت زندگی به چه چیزی اشاره دارد و چرا در بین مناطق متفاوت است؟

ثبات و پویایی هر جامعه‌ای تا حد زیادی به این امر وابسته است که تا چه حد نیازهای اساسی افراد ارضاء شده و یا موانع عمده‌ای در راه ارضاء آن‌ها وجود نداشته باشد. بی‌توجهی به نیازها و تمایلات انسان‌ها و عدم ارضاء آن‌ها و در نتیجه عدم رضایت مردم از زندگی و قلمروهای مختلف آن‌ها در یک جامعه پیامدهای غیرمنتظره و ناگواری به همراه دارد. بنابراین شناسایی خواسته‌های مردم و تلاش برای تأمین آن‌ها از طرف دولت‌ها از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر است. بدون شک دولت‌ها با حصول این شناخت و توزیع امکانات و خدمات بر اساس آن، به سهولت رضایتمندی مردم در زندگی را جلب خواهند کرد.

هرچند دولت‌ها برای ارتقا کیفیت زندگی تلاش می‌کنند، اما این اقدامات غالباً به صورت نابرابر در سطح کشور توزیع می‌شود و به نابرابری‌ها دامن می‌زند. یک واکنش طبیعی به این روند مهاجرت است. بنابراین می‌توان مهاجرت را رفتاری آگاهانه و عقلانی در جهت کاهش نابرابری‌ها و ایجاد توازن و دستیابی به کیفیت زندگی بهتر تلقی کرد. در کشور ما جمعیت و امکانات بر اساس توانایی‌های محیطی توزیع نشده است و به همین خاطر در بعضی از مناطق تراکم بیش از اندازه جمعیت وجود دارد و در بعضی جاها از ظرفیت‌های لازم استفاده بهینه صورت نمی‌گیرد و همین امر موجب شده است تا شاهد مهاجرت از مناطق کمتر توسعه‌یافته به سوی مناطق توسعه‌یافته‌تر باشیم.

منابع آماری موجود نشان می‌دهند که استان لرستان در چند سال اخیر با پدیده مهاجرفرستی مواجهه بوده به طوری که در بین استان‌های مهاجرفرست کشور بعد از استان خوزستان بیشترین خالص مهاجرت منفی را داشته است. در بین شهرستان‌های استان، شهرستان کوهدشت به دلیل عدم برخورداری از امکانات توسعه، میزان بالای بیکاری و مسایل دیگر بیشترین مهاجران خارج شده از استان را دارا بوده است. همچنین مقصد بیش از ۴۵ درصد این مهاجران، استان تهران می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). با توجه به مطالب ذکر شده، پژوهش حاضر به دنبال این موضوع می‌باشد که آیا مهاجرت خانواده‌های کوهدشتی به شهر تهران باعث افزایش و ارتقاء سطح کیفیت زندگی آن‌ها در مقایسه با هم‌تایان غیرمهاجر شده است؟

#### پیشینه تحقیق

رابطه بین مهاجرت و کیفیت زندگی از جنبه‌های مختلف مورد مطالعه قرار گرفته است. بعضی از مطالعات کیفیت زندگی مهاجران را در مقصد مورد مطالعه قرار دادند. جمعه‌پور و عیدی تراکمه (۱۳۹۲) پژوهشی کیفی با موضوع "کیفیت زندگی مهاجران فصلی نیروی کار جوان روستایی از شهرستان کلبر به تهران" انجام داده‌اند که نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد از دیدگاه اکثر مهاجران فصلی، داشتن کیفیت زندگی خوب و بد، در درجه اول بیشتر به مسائل اقتصادی منوط است. بنابراین، اکثر جوانان مهاجر فصلی برای رهایی از فقر و دست‌یابی به کیفیت زندگی بهتر و ارتقاء سطح زندگی‌شان، به مهاجرت فصلی اقدام می‌کنند. در این پژوهش اکثر مهاجران فصلی، کسب درآمد بیشتر، یافتن کار، و عدم اشتغال در مناطق روستایی را دلایل مهاجرت فصلی خود به تهران بیان کردند. این مهاجران فصلی معتقد بودند که به مهاجرت و ترک زادگاه خود تمایل ندارند. آن‌ها می‌خواستند که در منطقه زندگی خود (مبدأ) زندگی و کار کنند، ولی به دلایل دافعه مبدأ از جمله بیکاری و کمبود درآمد، مجبور به مهاجرت به شهر تهران شدند. وقتی هم که در مقصد به سر می‌بردند، خواهان بازگشت به مکان زندگی اصلی‌شان بودند.

تفاوت بین کیفیت زندگی مهاجران و غیر مهاجران در مقصد موضوع دسته دیگری از مطالعات بوده است. زیاری، مهدی و مهدیان بهنمیری (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان "بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی در شهروندان مهاجر و غیر مهاجر (شهر قم)" انجام داده‌اند که نتایج آن نشان می‌دهد که شهروندان غیر مهاجر با توجه به برخورداری از وضعیت عمومی مناسب، در تمام جنبه‌ها همچون احساس مثبت از منزلت و روابط اجتماعی، کیفیت و کمیت مسکن، درآمد، تحصیلات، تعداد فرزندان، رضایت از کیفیت دسترسی به خدمات، توجه به تغذیه مناسب و... از موقعیت زندگی مناسب‌تری نسبت به شهروندان مهاجر ساکن این شهر برخوردار بودند. در پژوهشی با موضوع "مطالعه تطبیقی عوامل مرتبط با کیفیت زندگی مهاجرین و غیر مهاجرین" (کیانی فلاورجانی، ۱۳۹۲) مشخص شده است که رابطه معناداری بین متغیرهای سن، وضعیت تأهل، بعد خانوار، وضعیت مسکن، طبقه اجتماعی و خشنودی با کیفیت زندگی کل افراد مورد مطالعه وجود دارد. اما این تحقیق نشان داده است که تفاوت معناداری در کیفیت زندگی مهاجرین و غیر مهاجرین وجود نداشته است.

تاثیر کیفیت زندگی بر مهاجرت نیز توسط بعضی از مطالعات مورد بررسی قرار گرفته است. شفیع کاخکی (۱۳۹۰) تحقیقی تحت عنوان "نابرابری درآمد یا ارتقاء کیفیت زندگی" انجام داده است که نتایج نشان‌دهنده اهمیت اثر عوامل اقتصادی بر مهاجرت می‌باشد. به عبارتی، انگیزه افراد از مهاجرت ارتقاء کیفیت زندگی نمی‌باشد، بلکه حرکات جمعیت به انگیزه افزایش درآمد روی داده است. ضریب مثبت شاخص نابرابری نشان می‌دهد مهاجرت به استان‌هایی که نابرابری در آن‌ها بیشتر است بیش از استان‌هایی است که نابرابری در آن‌ها کمتر است. لذا مهاجرت با انگیزه افزایش درآمد باعث افزایش نابرابری خواهد شد زیرا مهاجرت نیروی کار باعث کاهش دستمزد نیروی کار غیر ماهر در استان مقصد می‌شود و نابرابری افزایش می‌یابد. با توجه به سطح اولیه تخصص در استان‌های مختلف، همچنین در اثر انتقال نیروی کار، بیکاری به تناوب در بخش‌های مختلف اقتصادی رخ خواهد داد. لذا آنچه در بین نتایج این تحقیق از

اهمیت بیشتری برخوردار است، این است که رفاه اقتصادی نتوانسته است عامل تعیین‌کننده رفتار افراد در انتخاب شرایط زندگی باشد و تأکید تنها بر درآمد است.

پاچیکو، روسو و لیور<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) به بررسی نحوه اثرگذاری عوامل غیراقتصادی و به عبارتی دو گروه متغیر جغرافیایی و جمعیت‌شناختی کیفیت زندگی بر الگوی مهاجرت در دوره اخیر در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی پرداختند. مطالعه آن‌ها برای ۱۶ کشور عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ انجام شده است. الگوی بدست‌آمده نشان‌دهنده تأثیر بی‌معنی شاخص‌های کیفیت زندگی بر مهاجرت بوده است. نتایج مطالعه آن‌ها تأثیر معنی‌دار متغیرهایی از جمله درآمد، جمعیت و عوامل جغرافیایی بر مهاجرت را نشان می‌دهد. در مطالعه ویلیامز و جابز<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) در مورد کیفیت زندگی و مهاجرت شهر به روستا نشان داده شده است که انگیزه‌های اقتصادی و کیفیت زندگی، مخصوصاً برای افراد دارای وضعیت اقتصادی و اجتماعی پایین‌تر، از مهمترین اهداف مهاجرت بوده است.

موضوع بعضی از مطالعات، تأثیر مهاجرت بر کیفیت زندگی بوده است. تأثیر معنی‌دار تجربه مهاجرتی مهاجران بین‌المللی سالمند بر وضعیت رفاهی آن‌ها در ایتالیا توسط باریانو دی‌بلگیو جوسو<sup>۳</sup> و دیگران (۲۰۲۰) مورد مطالعه قرار گرفته است. بررسی تأثیر موقعیت قبل از مهاجرت، حین مهاجرت و بعد از مهاجرت بر بهزیستی روانی پناهندگان کرد در کشورهای مورد پناهندگی (نبی<sup>۴</sup> ۲۰۱۴) نشان می‌دهد که همسانی شرایط اجتماعی و کاری قبل و بعد از پناهندگی در افزایش بهزیستی روانی موثر بوده است.

همانطور که مشاهده می‌شود مطالعات مورد اشاره عمدتاً بر تفاوت زندگی مهاجران با غیرمهاجران در مقصد و تفاوت وضعیت مهاجران در قبل و بعد از مهاجرت متمرکز بوده‌اند. تفاوت زندگی مهاجران با غیرمهاجران در مبدا چندان مورد توجه نبوده است، هر چند تفاوت

---

1 Pacheco, Rossouw and Lewer

2 Williams and Jobes

3 Barbiano di Belgiojoso, Elisa

4 Nabi

قبل و بعد از مهاجرت تاحدودی با آن همخوانی دارد. بنابراین، مقایسه مهاجران با غیر مهاجران در مقصد می‌تواند بینش جدیدی را در مورد رابطه بین مهاجرت و کیفیت زندگی ایجاد کند.

## مبانی نظری

### ۱- رویکردهای کیفیت زندگی

رویکردهای مربوط به کیفیت زندگی را می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته توصیفی و تبیینی تقسیم کرد. رویکردهای توصیفی رابطه کیفیت زندگی را با متغیرهایی چون جنس، سن، سواد بررسی می‌کنند و مسئله محوری آن‌ها سنجش کیفیت زندگی بر اساس متغیرهای زمینه‌ای است. اما رویکردهای تبیینی معطوف به شناخت عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی اعم از عوامل عینی و ذهنی هستند (ربانی خوراسگانی و کیان‌پور ۱۳۸۴). رویکردهای تبیینی خود به دو دسته عاملیت‌گرا و ساختارگرا تفکیک می‌شوند (فرجی ملایی و عظیمی، ۱۳۸۹: ۹؛ نقدی و بابایی، ۱۳۹۴).

رویکرد عاملیت‌گرا غالباً مبتنی بر فردگرایی روش‌شناختی است و جامعه را به عنوان جمع جبری افراد مورد توجه قرار می‌دهد. چنین تبیینی عمدتاً بر نقش کنشگری افراد در قالب ذهنیات، قابلیت‌ها و توانمندی‌های اشاره دارد و شرایط ساختاری یا محیطی پیرامونی را کمتر مورد توجه قرار می‌دهد (غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۸۴). به‌طورکلی چهار رویکرد عاملیتی زیر را در مواجهه با کیفیت زندگی می‌توان شناسایی کرد:

۱. مطلوبیت‌گرایی: در این رویکرد باور بر این است که جستجوی لذت و دوری از درد، تنها غایات آدمی است و اصل مطلوبیت عبارت از آن است که در هر استدلالی، اساس کار ما محاسبه و مقایسه دردها و لذت‌ها باشد و هیچ اندیشه دیگری را در استدلال خود دخالت ندهیم. در این راستا در امر قانون‌گذاری نیز اصل سودمندی باید اصل راهنما باشد. از این رو در این دیدگاه علم قانون‌گذاری به تشخیص و تعیین آن چیزی می‌پردازد که خیر جامعه را تأمین کند. بنابراین لازم است قانون‌گذار ارزش هر یک از دردها و لذت‌ها را که ابزار کار او

هستند به‌دقت بدانند و پیرامون عمق و قدرت آن‌ها مطالعه کند. بررسی ارزش یک لذت با توجه به خود آن لذت و ارتباط آن با فردی معین به چهار عامل مختلف شدت، مدت، قطعیت و نزدیکی لذت بستگی دارد. اما باید در نظر داشت که دردها و لذت‌ها ممکن است پیامدهایی در قالب دردها و لذت‌های دیگر در پی داشته باشد. لذا در ارزیابی هر عمل از بعد لذت آفرینی آن می‌بایست به دو عامل قابلیت و بارآوری آن عمل توجه داشت (فیتزپتریک، ۱۳۸۵؛ غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۸۴).

۲. ارزش‌های عام: منظور از ارزش‌های عام، ارزش‌های منطقی و سنجیده‌ای است که عموم مردم بر آن اجماع داشته باشند. ارزش‌های عام بر این امر توجه دارند که چه چیزی زندگی شخص را برای او ارزشمند می‌کند. این‌ها ارزش‌هایی هستند که موجب بهبود کیفیت زندگی هر انسانی می‌شوند و مبتنی بر مفهومی از کیفیت زندگی هستند که بر طبیعت بشر استوار است. این ارزش‌ها نشان می‌دهند که زندگی خوب چگونه است و چگونه می‌تواند بهتر شود و به دو دسته هسته‌ای و غیرهسته‌ای دسته‌بندی می‌شوند. ارزش‌های هسته‌ای که اساس مطلوبیت‌گرایی را نیز تشکیل می‌دهند عبارت‌اند از لذت‌جویی و اجتناب از درد که فقدان هر کدام زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ارزش‌های غیرهسته‌ای ارزش‌هایی هستند که به زندگی انسان هدف و جهت می‌دهند (غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۸۴؛ غفاری و امیدوی ۱۳۸۸).

۳. رویکردهای نیازمحور: این رویکرد در حوزه مطالعات و توسعه و کیفیت بسیار رایج است و با بحث از نیازهای اساسی آغاز می‌شود. برخلاف رویکرد ارزش‌های عام و سنجیده که با ارزش‌های انتزاعی سر و کار دارد، رویکردهای نیاز محور با امور واقعی در ارتباط هستند.

۴. رویکردهای قابلیت‌ی: رویکرد قابلیت‌ی روشی است برای مفهوم‌سازی کیفیت زندگی و درنهایت ارزیابی توسعه انسانی. قابلیت، به توانایی و استعداد شخص برای انجام فعالیت‌های مفید جهت به دست آوردن موقعیت‌ها و شرایط مناسب رفاهی دستیابی به کارکردها مربوط می‌شود. محور اصلی این رویکرد مجموعه قابلیت‌ی است که به ترکیباتی از آنچه شخص توان

انجام آن را دارد و یا باید داشته باشد بر می‌گردد. به عبارتی مجموعه قابلیت نشانگر آزادی فرد در دستیابی به کارکردهای مورد نظر است. آزادی مثبت و کارکردهای اساسی موضوعات اصلی رویکرد قابلیت هستند که بهزیستی بخشی از ایده کارکردهای اساسی است و کیفیت زندگی می‌بایست در چارچوب توانایی فرد در بدست آوردن بهزیستی مورد قضاوت قرارگیرد. در این دیدگاه گسترش آزادی هم به‌عنوان هدف اولیه و هم به‌عنوان ابزارهای اصلی توسعه مد نظر قرار دارد.

رویکرد ساختارگرا نسبت به رویکرد عاملیتی از دو ویژگی متمایز برخوردار است. اول آنکه مفهومی کامل و فراگیر از کیفیت زندگی ارائه می‌دهد و دوم اینکه بر کیفیت زندگی به‌عنوان یک کلیت تمرکز دارد که در آن تمامی جنبه‌های کیفیت زندگی در ارتباط متقابل با هم هستند. این رویکرد بر دو فرض اساسی استوار بود: الف- کیفیت زندگی فراتر از مفهوم نیازها در ارتباط با فرایندها و دستاوردهای خودمختاری و تحقق فردی قابل طرح است. ب- کیفیت زندگی در معنای واقعی آن نمی‌تواند مستقل از مناسبات، روابط و پیوندهای مشترک اجتماعی و وابستگی در زمینه عدالت توزیعی که امنیت شخصی و اقتصادی، حمایت شهروندی و حقوق انسانی را تضمین می‌کند مفهوم‌سازی شود. به‌هرحال می‌توان به دو مورد از رویکردهای ساختاری به کیفیت زندگی که در این حوزه اهمیت بیشتری دارند اشاره کرد:

الف- کیفیت فراگیر زندگی: در اینجا مباحثی اساسی نظیر رفاه ذهنی، رفاه عینی، اهداف اجتماعی، سرمایه اجتماعی و همبستگی اجتماعی در درون یک چارچوب منسجم مبتنی بر کیفیت زندگی که به عوامل کیفیت اجتماعی همچون برابری، آزادی، امنیت و انسجام بیش از عوامل فردی توجه دارد مد نظر قرار می‌گیرند. این مجموعه می‌تواند از سوی سیاست‌گذاری به‌عنوان ابزاری برای مشاهده تحلیل مستمر توسعه و بهبود سطح رفاه کیفیت زندگی و همچنین تغییر ساختار اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

ب- کیفیت اجتماعی: رویکرد اجتماعی در سال ۱۹۹۷ در بیانیه آمستردام از سوی ۷۴ نفر از آکادمی‌های حوزه‌های سیاست‌گذاری اجتماعی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی حقوق و اقتصاد



مطرح گردید و به سرعت توسعه یافت (فیلیپس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶) و امروزه شاید به لحاظ تئوریک و عملیاتی مهم‌ترین عنصر کیفیت زندگی اجتماعی باشد. این رویکرد را می‌توان به عنوان یک بازنگری انسانی در مطلوبیت‌گرایی و ارزیابی کیفیت زندگی بر اساس درآمد و ثروت به شمار آورد که درون‌مایه اصلی آن امکانات و توانایی‌های مالی و روابط اجتماعی است. در این چارچوب، کیفیت زندگی عبارت است از دامنه‌ای که شهروندان قادر به مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه‌شان، تحت شرایطی هستند که بهزیستی و توانایی بالقوه آن‌ها بهبود می‌یابد. کیفیت اجتماعی که از سوی شهروندان تجربه می‌شود مبتنی بر شرایط زیر است: تأمین اجتماعی و اقتصادی، ادغام (شمولیت) اجتماعی، دوام و شدت همبستگی و انسجام اجتماعی بین نسل‌ها، و خودمختاری و توانمندی شهروندان (فیتربتریک، ۱۳۸۵: ۴۶)

## ۲- ابعاد کیفیت زندگی

کیفیت زندگی در ابعاد متفاوتی تعریف شده است. کیفیت زندگی دارای ابعاد روانی (مثلاً احساس رضایت)، اجتماعی (مثلاً حقوق و تعهدات شهروندی) و محیطی (مثلاً شرایط زیست-محیطی و وضعیت بهداشتی) می‌باشد (ربانی خوراسگانی و کیان‌پور ۱۳۸۴: ۴۸) و می‌تواند از نظر روانی، اجتماعی و محیطی مورد سنجش قرار گیرد. همچنین کیفیت زندگی شهری در چهار بعد شرایط محیطی نظیر فضای سبز، آب‌وهوا، آلودگی صوتی، و زیرساخت‌های اساسی؛ امکانات عمومی نظیر تسهیلات ورزشی، آموزشی، اجتماعی و بهداشتی، و خدمات؛ شرایط اقتصادی نظیر درآمد و مصرف، بازار کار، بازار مسکن و پویایی اقتصادی؛ و عوامل مرتبط با جامعه نظیر جمعیت، آموزش، بهداشت، مشارکت مدنی و امنیت تعریف شده است (ستوز و مارتینز<sup>۲</sup> ۲۰۰۷: ۴۱۵). کیفیت زندگی همچنین می‌تواند به تفکیک شاخص‌های عینی (نظیر استانداردها، شیوه‌ها و شرایط زندگی) و ذهنی (نظیر رضایت، خوشحالی و لذت) تقسیم‌بندی شود (سورز و پتو<sup>۳</sup> ۲۰۱۵؛ لی<sup>۱</sup> ۲۰۰۸، مالکینا پیخ<sup>۲</sup> و پیخ<sup>۳</sup> ۲۰۰۸، هاسلوآر<sup>۳</sup> و دیگران ۲۰۱۴).

1 Phillips

2 Santos and Martins

3 Sores and Peto

### ۳- مهاجرت و کیفیت زندگی

مهاجرت نتیجه‌ی مجموعه‌ی پیچیده‌ای از عوامل اجتماعی، جمعیت‌شناختی، روان‌شناختی، اقتصادی و سیاسی است. مهاجرت را می‌توان یک نوع تطبیق و سازگاری اجتماعی در پاسخ به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و نیازهای فرهنگی محسوب کرد. بنابراین، مهاجران عمدتاً برای بهبود زندگی خود مهاجرت می‌کنند.

با توجه به تعریف گسترده کیفیت زندگی، مهاجرت می‌تواند دربرگیرنده انگیزه‌های متفاوت مرتبط با کیفیت زندگی باشد. دستیابی به درآمد بیشتر، تحصیلات بالاتر، آرامش روحی و روانی بیشتر، و روابط اجتماعی مستحکم‌تر از انگیزه‌های مهم مهاجرت می‌باشند. انگیزه اصلی مهاجرت از مناطق کمتر توسعه‌یافته به مناطق توسعه‌یافته‌تر، مثلاً از روستا به شهر، بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی است که از مولفه‌های مهم کیفیت زندگی می‌باشند. همچنین انگیزه مهاجرت از مناطق توسعه‌یافته‌تر به مناطق کمتر توسعه‌یافته، مثلاً از شهر به روستا، ممکن است تقویت روابط اجتماعی و رسیدن به یک زندگی بی‌سروصدا باشد که خود از مولفه‌های کیفیت زندگی هستند. در هر دو حالت، وضعیت مهاجران نسبت به غیر مهاجران متفاوت خواهد بود. سوال مهم این تحقیق این است که مهاجرت تا چه اندازه‌ای می‌تواند به تغییر کیفیت زندگی منجر شود.

### ۴- مدل مفهومی و فرضیات تحقیق

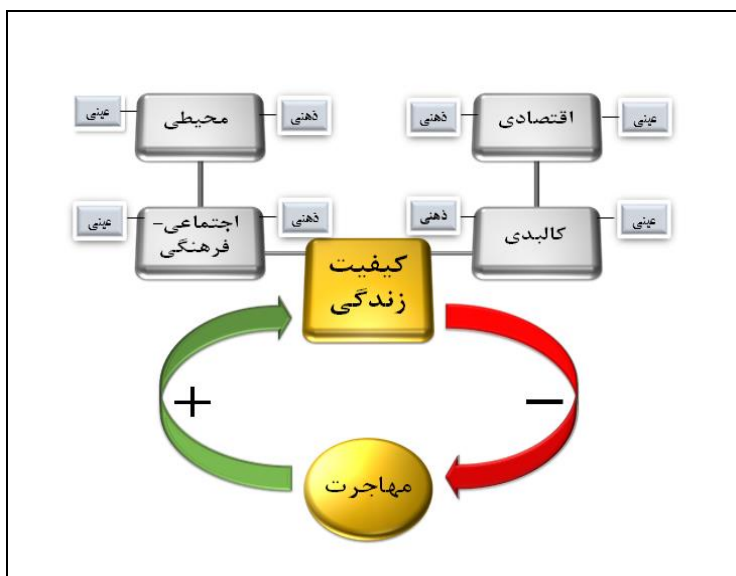
با توجه به این که هدف این تحقیق سنجش و ارزیابی کیفیت زندگی شهری می‌باشد از رویکرد عاملیت‌گرا به عنوان پشتوانه نظری استفاده شده است اما از آنجا که این رویکرد مفهومی کاملی از کیفیت زندگی را در بر نمی‌گیرد برای رفع این نقیصه از رویکردهای ساختارگرا هم استفاده شده است. در واقع رویکرد ساختارگرا مفهومی کامل‌تر و به عنوان یک کلیت مطرح می‌باشد.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه تحقیق، چنین می‌نماید که مهاجرت به بهبود کیفیت زندگی منجر می‌شود، و کیفیت زندگی متقابلاً تمایل به مهاجرت را کاهش می‌دهد (شکل ۱). هدف این تحقیق شناسایی تأثیر مهاجرت بر کیفیت زندگی می‌باشد.

1 Lee

2 Malkina-Pykh

3 Haslauer



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

با توجه به مدل فوق، کیفیت بالاتر زندگی مهاجران کوهدشتی در تهران نسبت به کیفیت زندگی غیر مهاجران در کوهدشت فرض اصلی این تحقیق است. مهاجرت از مناطق کمتر توسعه یافته به مناطق توسعه یافته تر دلیل اصلی این فرضیه می باشد. با توجه به ابعاد چهارگانه کیفیت زندگی، و ذهنی و یا عینی بودن هر یک از این ابعاد، در مجموع ۸ فرضیه، در همان جهت فرضیه اصلی، قابل طرح می باشند:

۱. به نظر می رسد کیفیت زندگی در بعد اقتصادی-ذهنی در خانواده های مهاجر بیشتر از کیفیت مشابه در خانواده های غیر مهاجر است.
۲. به نظر می رسد کیفیت زندگی در بعد اقتصادی-عینی در خانواده های مهاجر بیشتر از کیفیت مشابه در خانواده های غیر مهاجر است.
۳. به نظر می رسد کیفیت زندگی در بعد کالبدی-ذهنی در خانواده های مهاجر بیشتر از کیفیت مشابه در خانواده های غیر مهاجر است.

۴. به نظر می‌رسد کیفیت زندگی در بعد کالبدی-ذهنی در خانواده‌های مهاجر بیشتر از کیفیت مشابه در خانواده‌های غیر مهاجر است.
۵. به نظر می‌رسد کیفیت زندگی در بعد اجتماعی-فرهنگی (ذهنی) در خانواده‌های مهاجر بیشتر از کیفیت مشابه در خانواده‌های غیر مهاجر است.
۶. به نظر می‌رسد کیفیت زندگی در بعد اجتماعی-فرهنگی (عینی) در خانواده‌های مهاجر بیشتر از کیفیت مشابه در خانواده‌های غیر مهاجر است.
۷. به نظر می‌رسد کیفیت زندگی در بعد محیطی-عینی در خانواده‌های مهاجر بیشتر از کیفیت مشابه در خانواده‌های غیر مهاجر است.
۸. به نظر می‌رسد کیفیت زندگی در بعد محیطی-ذهنی در خانواده‌های مهاجر بیشتر از کیفیت مشابه در خانواده‌های غیر مهاجر است.

### روش و داده‌های تحقیق

به منظور دستیابی به اطلاعات مورد نیاز جهت آزمون فرضیه‌ها، از روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. پرسشنامه این تحقیق در دو بخش عینی و ذهنی به سنجش میزان کیفیت زندگی پرداخته است. پرسشنامه استفاده شده حاوی سؤال‌هایی در مورد اطلاعات جمعیتی، ابعاد عینی و ابعاد ذهنی کیفیت زندگی و وضعیت مهاجرت (بومی یا مهاجر بودن) می‌باشد. سؤال‌های بخش عینی مرتبط با شرایط عینی زندگی است، در حالی که در سؤال‌های بخش ذهنی سعی شده است میزان رضایت ادراک شده از شرایط عینی زندگی ارزیابی شود. سؤال‌های مربوط به ابعاد عینی و ذهنی در قلمروهای اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، کالبدی و محیطی بوده‌اند. در تدوین سؤالات ذهنی کیفیت زندگی از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است (جدول ۱).

به منظور سنجش اعتبار درونی ابتدا از روش اعتبار محتوا برای افزایش اعتبار پرسشنامه استفاده شده است. در اینجا با استفاده از مقیاس‌های آزمون‌شده در پژوهش‌های کیفیت زندگی و نظرخواهی از اساتید و کارشناسان متخصص در این زمینه گام اول برداشته شد. سپس پرسشنامه تدوین شده طی دو مرحله مقدماتی و نهایی تکمیل گردید و با بررسی پاسخ‌های به دست آمده

از ۳۰ پرسشنامه مقدماتی و انجام محاسبات آماری لازم، پرسشنامه نهایی تدوین گردید. همچنین جهت سازگاری درونی پرسشنامه نیز از طریق آلفای کرونباخ بررسی شده است.

جدول ۱: شاخص‌ها و مولفه‌های کیفیت زندگی

مقدار آلفا	زیر مولفه‌ها	مولفه
۰,۸۶	رضایت شغلی	اقتصادی
	رضایت از درآمد	
	توان پس‌انداز کردن	
	امید به آینده شغلی	
۰,۷۷	رضایت از امکانات فرهنگی	اجتماعی-فرهنگی
	رضایت از امکانات بهداشتی-درمانی	
	همبستگی اجتماعی	
	رضایت از امکانات تفریحی	
	ایمنی و امنیت	
۰,۸۵	رضایت از مسکن	کالبدی
	رضایت از زیرساخت‌ها	
	رضایت از امکانات حمل‌ونقل	
۰,۷۹	پاکیزگی	محیطی
	سکوت و آرامش	
۰,۸۴		کیفیت زندگی کل

نمونه مورد بررسی در پژوهش حاضر شامل سرپرستان خانواده‌های مهاجر کوهدشتی که در شهر قدس تهران ساکن هستند و سرپرستان خانواده‌های غیر مهاجر همتای آن‌ها که در شهرستان کوهدشت ساکن هستند می‌باشد. در این تحقیق برای انتخاب خانواده‌های مهاجر و سرپرستان آن‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است و حجم نمونه آن برابر با ۲۰۰ نفر است. همچنین از هرکدام از این سرپرستان خواسته شد تا خانواده‌ای را که در شهرستان کوهدشت

ساکن هستند به‌عنوان همتای خود معرفی کنند. بنابراین در مجموع ۴۰۰ نفر نمونه این پژوهش را تشکیل می‌دهند که ۲۰۰ نفر مهاجر و ۲۰۰ نفر غیر مهاجر هستند. از آنجا که اکثر مهاجران کوهدشتی معرفی شده، در محله‌های جدیدتر شهر قدس ساکن می‌باشند لذا توزیع نمونه در این شهر به‌گونه‌ای بوده است که سهم محلات جدید بیشتر از محله‌های قدیمی شهر قدس بوده است (جدول ۲).

جدول ۲: توزیع نمونه مهاجران برحسب منطقه سکونت در شهر قدس

محله	سرخ‌حصار	کاوسییه	قلعه	مصلی	جوادآباد	کوی مخابرات	بهاران	کل
تعداد	۱۳	۱۶	۱۹	۲۸	۳۹	۴۰	۴۵	۲۰۰
درصد	۶٫۵	۸٫۰	۹٫۵	۱۴٫۰	۱۹٫۵	۲۰٫۰	۲۲٫۵	۱۰۰٫۰

از میان ۲۰۰ نفر نمونه مهاجر در شهر قدس ۷۰ نفر مبدأ مهاجرت خود را شهر کوهدشت و ۱۳۰ نفر روستاهای شهرستان کوهدشت عنوان نموده‌اند. بنابراین ۳۵ درصد از مهاجرین مورد بررسی دارای مبدأ شهری و ۶۵ درصد از آنان دارای مبدأ روستایی بوده‌اند. در تجزیه و تحلیل اطلاعات از دو روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. در بخش توصیفی از فراوانی، درصد و میانگین استفاده شده است و در بخش تحلیلی، برای آزمون فرضیه‌ها، از آزمون T با دو نمونه مستقل، آزمون کی دو و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

## یافته‌های پژوهش

### ۱- ویژگی‌های افراد نمونه

جدول ۳ تعداد و درصد پاسخگویان مهاجر و غیر مهاجر را برحسب گروه‌های سنی نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود، ۸٫۵ درصد از مهاجران در گروه سنی کمتر از ۲۹ سال، ۶۰ درصد در گروه سنی ۳۰-۴۵ سال، ۲۸ درصد در گروه سنی ۴۶-۶۴ سال و ۱ درصد نیز در گروه سنی ۶۵ سال و بیشتر قرار دارند. در بین مهاجرین ۲٫۵ درصد از پاسخگویان سن خود را اظهار نکردند. توزیع سنی پاسخگویان غیر مهاجر نیز به شرح زیر می‌باشد: ۱۴

درصد در گروه سنی کمتر از ۲۹ سال، ۴۷,۵ درصد در گروه سنی ۳۰-۴۵ سال، ۳۲ درصد در گروه سنی ۴۶-۶۴ سال و ۲ درصد در گروه سنی ۶۵ سال و بیشتر قرار دارند. همچنین ۴,۵ درصد از پاسخگویان غیر مهاجر سن خود را اظهار ننموده‌اند.

جدول ۳: توزیع افراد نمونه برحسب گروه‌های سنی

گروه سنی	کل		مهاجر		غیر مهاجر	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کمتر از ۲۹ سال	۴۵	۱۱,۳	۱۷	۸,۵	۲۸	۱۴,۰
۳۰-۴۵ سال	۲۱۵	۵۳,۸	۱۲۰	۶۰,۰	۹۵	۴۷,۵
۴۶-۶۴ سال	۱۲۰	۳۰,۰	۵۶	۲۸,۰	۶۴	۳۲,۰
۶۵ سال و بیشتر	۶	۱,۵	۲	۱,۰	۴	۲,۰
اظهارنشده	۱۴	۳,۵	۵	۲,۵	۹	۴,۵
جمع	۴۰۰	۱۰۰,۰	۲۰۰	۱۰۰,۰	۲۰۰	۱۰۰,۰

جدول ۴ وضعیت تحصیلات و اشتغال را در هر دو گروه غیر مهاجران و مهاجران نشان می‌دهد. نتایج جدول نشان می‌دهد که در بین مهاجرین سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی (فوق دیپلم و بالاتر) بسیار بیشتر از غیر مهاجرین می‌باشد به طوری که در بین مهاجرین ۵۲ درصد از افراد دارای تحصیلات عالی بوده‌اند در حالی که فقط ۲۲,۵ درصد غیر مهاجرین در این گروه قرار داشته‌اند. بر اساس نتایج به دست آمده، ۸۳,۵ درصد از مهاجران شاغل بوده‌اند. همچنین ۷۳ درصد از غیر مهاجران نیز دارای شغل بوده‌اند. ۱۴,۵ درصد غیر مهاجرین و ۵,۵ درصد مهاجران نیز بیکار بوده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که مهاجران دارای شرایط مطلوب‌تری نسبت به غیر مهاجران به لحاظ وضعیت اشتغال می‌باشند و درصد جمعیت بیکار در بین غیر مهاجرین بالاتر از مهاجرین بوده است.

جدول ۴: توزیع تعداد و درصد افراد نمونه بر حسب میزان تحصیلات و وضع اشتغال

متغیر	واحد	مهاجران		غیر مهاجران	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
تحصیلات	بی‌سواد	۲۶	۱۳,۰	۳۰	۱۵,۰
	ابتدایی	۱۸	۹,۰	۶۲	۳۱,۰
	راهنمایی و متوسطه	۵۲	۲۶,۰	۶۳	۳۱,۵
	فوق‌دیپلم	۵۰	۲۵,۰	۲۲	۱۱,۰
	لیسانس	۴۶	۲۳,۰	۱۷	۸,۵
	فوق‌لیسانس و بالاتر	۸	۴,۰	۶	۳,۰
	شاغل	۱۶۷	۸۳,۵	۱۴۶	۷۳,۰
وضعیت اشتغال	بیکار	۱۱	۵,۵	۲۹	۱۴,۵
	بازنشسته	۲	۱,۰	۲	۱,۰
	خانه‌دار	۱۲	۶,۰	۱۲	۶,۰
	درحال تحصیل	۸	۴,۰	۱۱	۵,۵
جمع	-	۲۰۰	۱۰۰,۰	۲۰۰	۱۰۰,۰

## ۲- کیفیت زندگی

جدول ۵ تعداد و درصد پاسخگویان را بر حسب رضایت از کیفیت زندگی کل به تفکیک مهاجر و غیر مهاجر نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود؛ فقط ۱۷,۳ درصد از پاسخگویان رضایت خیلی زیادی از کیفیت زندگی خود داشتند و ۱۸ درصد نیز رضایت خود را زیاد اعلام کردند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که فقط حدود ۳۵ درصد از کل جامعه آماری از کیفیت زندگی در محل سکونت خود رضایت داشتند. در مقابل بیش از ۴۸ درصد از پاسخگویان از وضعیت کیفیت زندگی خود ابراز نارضایتی کرده‌اند. همچنین حدود ۱۶ درصد از کل پاسخگویان رضایت از کیفیت زندگی خود را متوسط ارزیابی کرده‌اند.

رضایت ۴۵ درصد از مهاجران در حد زیاد و خیلی زیاد بوده است در صورتی که درصد مشابه برای غیر مهاجران حدود ۲۵ درصد بوده است. درصد افراد دارای رضایت خیلی متوسط



نیز در بین مهاجران بیشتر بوده است ۳۶,۵ درصد از مهاجران رضایت کمی را در مورد کیفیت زندگی خود اظهار داشته‌اند. از طرف دیگر، در بین غیرمهاجران بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان چنین رضایتی را اعلام کرده‌اند. در نتیجه رضایت از کیفیت زندگی مهاجران بیشتر بوده است.

جدول ۵: توزیع فراوانی رضایت از کیفیت زندگی کل برحسب مهاجر و غیر مهاجر

کل	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	کیفیت زندگی	
						تعداد	درصد
۲۰۰	۳۰	۴۳	۳۷	۴۵	۴۵	مهاجران	
						تعداد	درصد
۱۰۰,۰	۱۵	۲۱,۵	۱۸,۵	۲۲,۵	۲۲,۵	مهاجران	
۲۰۰	۵۹	۶۲	۲۸	۲۷	۲۴	غیر مهاجران	
						تعداد	درصد
۱۰۰,۰	۲۹,۵	۳۱,۰	۱۴,۰	۱۳,۵	۱۲,۰	غیر مهاجران	
۴۰۰	۸۹	۱۰۵	۶۵	۷۲	۶۹	کل	
						تعداد	درصد
۱۰۰,۰	۲۲,۳	۲۶,۳	۱۶,۳	۱۸,۰	۱۷,۳	کل	

### ۳- مهاجرت و ابعاد مختلف کیفیت زندگی

برای آزمون فرضیه ۱ (تفاوت بین بعد اقتصادی-ذهنی کیفیت زندگی مهاجران و غیر مهاجران) از آزمون T دو نمونه مستقل استفاده شده است. نتایج حاصل از بررسی تفاوت میانگین رضایت از بعد اقتصادی-ذهنی کیفیت زندگی در خانواده‌های مهاجر و خانواده‌های غیر مهاجر در جدول ۶ ارائه شده است. مطابق با اطلاعات موجود در جدول مذکور از آنجا که سطح معناداری به دست آمده کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد، لذا می‌توان گفت با ۹۹ درصد اطمینان و سطح خطای کمتر از یک درصد بین میانگین رضایت از بعد اقتصادی-ذهنی کیفیت زندگی و وضعیت سکونت تفاوت آماری معناداری وجود دارد. همان‌طور که نشان داده شده است میانگین در خانواده‌های مهاجر (۳,۸) بیشتر از میانگین مشابه در خانواده‌های غیر مهاجر (۲,۷) می‌باشد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده فرضیه صفر رد و فرضیه یک مبنی بر تفاوت بین دو گروه تأیید می‌شود.

جدول ۶: نتایج آزمون T دو نمونه مستقل جهت بررسی تفاوت بعد اقتصادی-ذهنی کیفیت زندگی (رضایت از شغل درآمد) بین دو گروه غیر مهاجران و مهاجران

آزمون معنی‌داری	میانگین		زیر شاخص	معیار
	مهاجر	غیر مهاجر		
T=-۳,۸ Sig=۰,۰۰	۳,۴۷	۲,۳۴	فعالیت‌های مربوط به شغل خود را دوست دارم	رضایت از شغل
	۳,۴۰	۲,۹۰	احساس می‌کنم کار من بیهوده است	
T=۰,۷۳ Sig = ۰,۴۶	۳,۶۳	۲,۷۶	دریافت حقوق منصفانه	رضایت از درآمد
	۳,۷۰	۲,۴۰	افزایش حقوق	
T=۴,۷ Sig=۰,۰۰	۴,۰۰	۲,۳۰	پیشرفت شغلی	امید به آینده شغلی
	۳,۸۹	۲,۲۰	ارتقای شغلی	
T=۶,۲ Sig=۰,۰۱	۳,۴۰	۳,۰۰	مخارج زندگی	توان پس‌انداز کردن
	۴,۷۸	۲,۷۰	تأمین رفاه آینده خانواده	
T=-۱۱,۳ Sig=۰,۰۰	۳,۸۰	۲,۷۰	کل	

جدول ۷ رابطه بین درآمد، مالکیت مسکن، مالکیت خودرو (بعد اقتصادی-عینی کیفیت زندگی) و وضعیت مهاجرت را بر اساس آزمون کی‌دو نشان می‌دهد. با توجه به مقدار آزمون، بین درآمد و وضعیت سکونت افراد نمونه مورد مطالعه رابطه معنی‌داری وجود دارد. افراد مهاجر از درآمد بیشتری برخوردار بودند. اما مالکیت مسکن برای مهاجران کمتر بوده است که می‌تواند به مدت اقامت کمتر آنها در مقصد مرتبط باشد. وضعیت مهاجران از نظر مالکیت خودرو سبک و تعداد خودرو بهتر از غیر مهاجران بوده است.

جدول ۷. نتایج آزمون کی دو رابطه بین درآمد، درصد مالکیت مسکن، درصد مالکیت خودرو و وضعیت

مهاجرت

شاخص	واحد (تومان)	وضعیت مهاجرت		درجه آزادی	مقدار آزمون کی دو	سطح معنی داری
		غیر مهاجر	مهاجر			
درآمد	کمتر از ۵۰۰ هزار	۸۸,۱	۱۱,۹	۳	۱۹۱,۳	۰,۰۱
	۵۰۰ هزار تا یک میلیون	۷۱,۲	۲۸,۸			
	یک تا یک میلیون و پانصد هزار	۱۷,۴	۸۲,۶			
	بالای یک میلیون و پانصد هزار	۰,۰۰	۱۰۰,۰			
مالکیت مسکن	مالک	۸۴,۵	۱۵,۵	۲	۱۳۸,۴	۰,۰۱
	مستأجر	۲۱,۳	۷۸,۷			
	در برابر خدمت	۴۶,۷	۵۳,۳			
مالکیت خودرو	موتور	۷۶,۷	۲۳,۳	۳	۳۶,۸	۰,۰۱
	خودرو سبک	۳۶,۶	۶۳,۴			
	خودرو سنگین	۵۷,۱	۴۲,۹			
	بیش از یک خودرو	۲۷,۳	۷۲,۷			

برای آزمون فرضیه ۳ (تفاوت بین بعد کالبدی-ذهنی کیفیت زندگی مهاجران و غیرمهاجران) از آزمون T دو نمونه مستقل استفاده شده است. نتایج حاصل از بررسی تفاوت میانگین بعد کالبدی کیفیت زندگی در خانواده‌های مهاجر و خانواده‌های غیر مهاجر در جدول ۸ ارائه شده است. مطابق با اطلاعات موجود در جدول مذکور از آنجا که سطح معناداری به دست آمده کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد، لذا می‌توان گفت که با ۹۹ درصد اطمینان و سطح خطای کمتر از یک درصد بین میانگین بعد کالبدی-ذهنی کیفیت زندگی و وضعیت مهاجرت تفاوت آماری معناداری

وجود دارد. میانگین بعد کالبدی-ذهنی کیفیت زندگی در خانواده‌های مهاجر (۳,۴۶) بیشتر از میانگین مشابه در خانواده‌های غیر مهاجر (۲,۵۲) بوده است.

جدول ۸: نتایج آزمون T دو نمونه مستقل جهت بررسی تفاوت بعد کالبدی-ذهنی کیفیت زندگی (رضایت از مسکن، حمل و نقل و زیرساخت‌ها) بین دو گروه غیر مهاجران و مهاجران

آزمون معنی‌داری	میانگین رضایت		زیر شاخص	معیار
	مهاجر	غیر مهاجر		
T = -۱۵,۲ Sig = ۰,۰۰	۳,۴۹	۲,۵۶	تسهیلات مسکن	رضایت از مسکن
	۳,۵۸	۲,۰۴	استحکام مسکن	
	۳,۳۸	۲,۰۵	متراژ مسکن	
T = -۱۲,۲ Sig = ۰,۰۰	۳,۴۹	۲,۳۰	دسترسی به حمل و نقل	رضایت از حمل و نقل
	۳,۳۶	۲,۲۶	هزینه‌های حمل و نقل	
T = -۱۴,۴ Sig = ۰,۰۰	۳,۳۲	۲,۱۶	دسترسی به مراکز خرید	رضایت از زیرساخت‌ها
	۳,۷۵	۲,۳۴	شبکه فاضلاب	
	۳,۳۱	۲,۲۱	وضعیت معابر	
T = -۱۸,۰ Sig = ۰,۰۰	۳,۴۶	۲,۵۲	کل	

نتایج حاصل از بررسی تفاوت میانگین بعد کالبدی-عینی (وضعیت مسکن) کیفیت زندگی در خانواده‌های مهاجر و خانواده‌های غیر مهاجر در جدول ۹ ارائه شده است. مطابق با اطلاعات موجود در جدول، از آنجا که سطح معناداری به دست آمده کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد، لذا می‌توان گفت که با ۹۹ درصد اطمینان بین میانگین بعد کالبدی-عینی کیفیت زندگی و وضعیت مهاجرت تفاوت آماری معناداری وجود دارد. میانگین بعد کالبدی-عینی کیفیت زندگی در خانواده‌های مهاجر و غیر مهاجر به ترتیب ۵,۷۷ و ۵,۰ به دست آمده است. نتایج نشان می‌دهد در کل وضعیت خانواده‌های غیر مهاجر دارای شرایط مطلوب‌تری بوده‌اند، هرچند رضایت مهاجران در مورد سوخت مصرفی، منبع تامین آب، و مصالح به کاررفته بیشتر بوده است.

جدول ۹. نتایج آزمون T دو نمونه مستقل جهت بررسی تفاوت بعد کالبدی-عینی کیفیت زندگی (وضعیت مسکن) بین دو گروه غیر مهاجران و مهاجران

آزمون معنی داری	میانگین		زیر شاخص	معیار
	مهاجر	غیر مهاجر		
T=-۱۳,۴۷ Sig=۰,۰۰	۲,۲۲	۳,۵۵	مساحت زیربنا	تسهیلات مسکن
	۲,۹۰	۲,۲۸	کیفیت سوخت مصرفی	
	۳,۰۰	۲,۷۱	کیفیت منبع تأمین آب	
	۱,۷۷	۲,۰۹	تعداد اتاق	
T=-۲۵,۲۰ Sig=۰,۰۰	۲,۳۳	۱,۴۱	کیفیت مصالح به‌کاررفته	مصالح و عمر مسکن
	۱,۹۵	۲,۵۳	عمر واحد مسکونی	
T=۱۱,۵ Sig=۰,۰۰	۵,۰۰	۵,۷۷	کل	

نتایج حاصل از بررسی تفاوت میانگین بعد اجتماعی-فرهنگی (ذهنی) کیفیت زندگی در خانواده‌های مهاجر و خانواده‌های غیر مهاجر در جدول ۱۰ ارائه شده است. مطابق با اطلاعات موجود در جدول مذکور از آنجا که سطح معناداری به‌دست‌آمده کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد، لذا می‌توان گفت که بین میانگین بعد اجتماعی-فرهنگی (ذهنی) کیفیت زندگی و وضعیت مهاجرت تفاوت آماری معناداری وجود دارد. میانگین بعد اجتماعی-فرهنگی (ذهنی) کیفیت زندگی در خانواده‌های مهاجر برابر با ۳,۴۳ و برای غیر مهاجران برابر با ۲,۳۸ بوده است.

جدول ۱۰: نتایج آزمون T دو نمونه مستقل جهت بررسی تفاوت بعد اجتماعی-فرهنگی کیفیت زندگی بین دو گروه غیر مهاجران و مهاجران

آزمون معنی داری	میانگین		زیر شاخص	معیار
	مهاجر	غیر مهاجر		
T=۲۱,۱ Sig=۰,۰۰	۳,۵۶	۱,۶۹	دسترسی به مسجد	رضایت از امکانات فرهنگی
	۳,۴۷	۱,۴۹	دسترسی به کتابخانه	
	۳,۴۵	۲,۲۸	دسترسی به آموزشگاه هنری	
T=-۱۶,۸ Sig=۰,۰۰	۳,۷۱	۲,۱۲	دسترسی به مرکز بهداشت	رضایت از امکانات بهداشتی-درمانی
	۳,۶۸	۲,۰۶	دسترسی به درمانگاه	
	۳,۳۷	۱,۴۱	دسترسی به داروخانه	
T=-۲۵,۹ Sig=۰,۰۰	۳,۴۹	۱,۹۵	دسترسی به سالن ورزشی	رضایت از امکانات ورزشی-تفریحی
	۳,۴۹	۱,۶۶	دسترسی به پارک	
	۳,۴۴	۲,۴۳	دسترسی به زمین بازی کودکان	
T=-۸,۳ Sig=۰,۰۰	۳,۴۹	۲,۹۴	دسترسی به نیروی انتظامی	رضایت از امنیت
	۳,۵۲	۳,۱۳	امنیت تردد خانواده	
	۳,۴۷	۳,۱۸	امنیت در برابر سارقان	
T=۲,۶ Sig=۰,۰۰	۳,۲۹	۳,۴۱	حمایت همسایه‌ها	همبستگی اجتماعی
	۲,۶۰	۳,۶۷	رفت‌وآمد با بستگان	
T=-۱۵,۴ Sig=۰,۰۰	۳,۴۳	۲,۳۸	کل	

برای آزمون فرضیه ۶ (تفاوت بین بعد اجتماعی-فرهنگی عینی کیفیت زندگی مهاجران و غیر مهاجران) از آزمون T دو نمونه مستقل استفاده شده است. مطابق با اطلاعات موجود در جدول ۱۱ از آنجا که سطح معناداری بدست‌آمده کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد، لذا می‌توان گفت که بین نمره بعد اجتماعی-فرهنگی (عینی) کیفیت زندگی و وضعیت مهاجرت تفاوت آماری معناداری وجود دارد. میانگین شاخص اجتماعی-فرهنگی (عینی) کیفیت زندگی مهاجران ۳,۰۴

و غیر مهاجران ۲,۰۱ بوده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که در تمامی شاخص‌های بعد اجتماعی-فرهنگی (عینی) نیز تفاوت آماری معناداری میان دو گروه مورد مطالعه وجود دارد.

جدول ۱۱: نتایج آزمون T دو نمونه مستقل جهت بررسی تفاوت بعد اجتماعی-فرهنگی (عینی) کیفیت زندگی بین دو گروه غیر مهاجران و مهاجران

آزمون معنی داری	میانگین		زیر شاخص	معیار
	مهاجر	غیر مهاجر		
T=-۷,۰ Sig= ۰,۰۰	۳,۱۱	۱,۶۶	تعداد کتابخانه	فرهنگی
	۳,۱۶	۱,۴۹	تعداد آموزشگاه هنری	
T=۶,۰ Sig= ۰,۰۰	۳,۱۶	۲,۶۵	تعداد مرکز بهداشتی-درمانی	بهداشتی-درمانی
	۳,۲۹	۱,۶۵	تعداد بیمارستان	
	۳,۱۸	۲,۶۰	تعداد داروخانه	
T=-۱۰,۰ Sig= ۰,۰۰	۳,۳۰	۲,۹۲	تعداد مدرسه	آموزشی
	۲,۷۹	۱,۶۷	تعداد مدرسه نوساز	
T=-۱۳,۰ sig= ۰,۰۰	۲,۷۶	۲,۱۹	تعداد سالن ورزشی	تفریحی
	۲,۶۲	۱,۳۱	تعداد مسافرت سالانه	
T=-۱۴,۵ Sig=۰,۰۰	۳,۰۴	۲,۰۱	کل	

رابطه بین بعد محیطی-ذهنی کیفیت زندگی خانواده‌های مهاجر و خانواده‌های غیر مهاجر در جدول ۱۲ آمده است. از آنجا که سطح معناداری به دست آمده کمتر از ۰,۰۱ می‌باشد، لذا با ۹۹ درصد اطمینان و سطح خطای کمتر از یک درصد می‌توان گفت که بین میانگین بعد محیطی (ذهنی) کیفیت زندگی و وضعیت مهاجرت تفاوت آماری معناداری وجود دارد. البته همان‌طور که از جدول مشخص است رابطه شاخص سکوت و آرامش معنی‌دار نبوده است و نشان از آن دارد که تفاوت میان دو گروه تصادفی بوده است. میانگین شاخص محیطی (ذهنی) کیفیت زندگی مهاجران (۳,۱۶) از میانگین مشابه برای غیر مهاجران با میانگین (۲,۸۳) بیشتر بوده است.

جدول ۱۲. نتایج آزمون T دو نمونه مستقل جهت بررسی تفاوت بعد محیطی (ذهنی) کیفیت زندگی بین دو گروه غیر مهاجران و مهاجران

آزمون معنی‌داری	میانگین		زیر شاخص	معیار
	مهاجر	غیر مهاجر		
T=-۸,۶ Sig=۰,۰۰	۳,۱۹	۲,۲۶	رضایت از پاکیزگی	پاکیزگی
T=-۰,۸۰۷ Sig=۰,۰۰	۳,۱۳	۳,۴۰	رضایت از سکوت و آرامش	سکوت و آرامش
T=-۹,۰۶ Sig=۰,۰۰	۳,۱۶	۲,۸۳	کل	

جدول ۱۳ رابطه بین وضعیت جمع‌آوری زباله‌ها، آلودگی صوتی در محل زندگی (بعد محیطی-عینی کیفیت زندگی مهاجران و غیر مهاجران) و وضعیت مهاجرت بر اساس آزمون کی‌دو را نشان می‌دهد. مقدار آزمون کی‌دو ۹۱,۷ به‌دست‌آمده است و از آنجا که سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده کمتر از مقدار ۰,۰۵ است در نتیجه می‌توان گفت که بین وضعیت جمع‌آوری زباله‌ها و وضعیت مهاجرت افراد نمونه مورد مطالعه رابطه معنی‌داری وجود دارد و کیفیت زندگی مهاجران بهتر از غیر مهاجران بوده است. همچنین می‌توان گفت که بین آلودگی صوتی و وضعیت مهاجرت افراد نمونه مورد مطالعه رابطه معنی‌داری وجود دارد. آلودگی صوتی مربوط به وسایل نقلیه و کارگاه‌ها برای مهاجران بیشتر بوده است. از آن طرف، وجود سروصدای افراد برای غیر مهاجران نسبت به مهاجران بیشتر بوده است.



جدول ۱۳: رابطه بین وضعیت جمع‌آوری زباله‌ها و آلودگی صوتی در محل زندگی و وضعیت مهاجرت

متغیر	واحد	وضعیت مهاجرت		درجه آزادی	مقدار آزمون کی‌دو	سطح معنی‌داری
		غیر مهاجر	مهاجر			
جمع‌آوری زباله	هر شب	۴۱,۹	۶۸,۱	۳	۹۱,۷	۰,۰۱
	چهار بار در هفته	۵۳,۶	۴۶,۴			
	یک‌بار در هفته	۸۹,۲	۱۰,۸			
	هرگز	۹۵,۸	۴,۲			
آلودگی صوتی	رفت و آمد ماشین	۱۸,۳	۸۱,۷	۲	۱۴۰,۰	۰,۰۱
	کارگاه‌ها	۳۲,۰	۶۸,۰			
	صدای افراد	۷۵,۶	۲۴,۴			

میانگین کیفیت زندگی کل در خانواده‌های مهاجر برابر با ۳,۶۸ و برای غیرمهاجران برابر با ۲,۲۴ بوده است. بنابراین کیفیت زندگی مهاجران در سطح بالاتری قرار داشته است. با توجه به مقدار T برابر با ۱۶,۲ و سطح معنی‌داری کمتر از ۰,۰۱ می‌توان گفت که مهاجرت اثر مثبتی را بر کیفیت زندگی کل اعمال کرده است.

جهت بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل (وضعیت مهاجرت، تحصیلات، اشتغال، سن و جنس) بر کیفیت زندگی از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. در این آزمون روش ورود داده‌ها مرحله به مرحله بوده است به طوری که ابتدا تأثیر متغیر وضعیت مهاجرت و بعد از آن تأثیر دیگر متغیرها مورد سنجش قرار گرفته است و در نهایت متغیرهایی که دارای رابطه معناداری با متغیر وابسته نبوده‌اند از مدل نهایی حذف شده‌اند.

نتایج حاصل از این رگرسیون در جدول ۱۴ ارائه شده است. ضرایب رگرسیونی (B) نشان می‌دهند که تأثیر مهاجرت بر کیفیت زندگی مثبت بوده است یعنی مهاجران نسبت به غیر مهاجران از کیفیت زندگی بالاتری برخوردار بودند. اما اثر تحصیلات بر کیفیت زندگی منفی است. این بدین معنی است که افراد دارای تحصیلات بیشتر، کیفیت پایین‌تری از زندگی را گزارش کرده‌اند. این وضعیت می‌تواند به آرزوها و نیات متفاوت افراد مرتبط باشد. افراد دارای

تحصیلات بالاتر، نسبت به افراد دارای تحصیلات کمتر، احتمالاً دارای انتظارات بیشتری هستند و سطح توقعات آنها نیز بالاتر است. بنابراین این دسته از افراد، چه در مبدا و چه در مقصد، کیفیت ضعیف‌تری از وضعیت زندگی خود را ارائه داده‌اند. اشتغال، برخلاف تحصیلات، تاثیر مثبت بر کیفیت زندگی داشته است و افراد شاغل، در مقایسه با افراد غیر شاغل، از کیفیت زندگی بالاتری برخوردار بودند. تاثیر مثبت اشتغال بر بهره‌مندی افراد از امکانات و تسهیلات، می‌تواند دلیل اصلی این تفاوت باشد.

ضرایب استاندارد شده (Beta) نشان‌دهنده شدت تاثیرگذاری متغیرهاست. در این میان تاثیرگذاری وضعیت مهاجرت (بر کیفیت زندگی) نسبت به متغیرهای دیگر بیشتر بوده است. کمترین تاثیرگذاری نیز مربوط به متغیر اشتغال بوده است.

جدول ۱۴: ضرایب رگرسیونی تأثیر متغیرهای منتخب بر کیفیت زندگی

سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد نشده		متغیر	مدل
		Beta	Std. Error		
۰,۰۰	۳۵,۵۸۱		۰,۴۰۳	۱۴,۳۳۶	مقدار ثابت
۰,۰۰	۱۴,۷۱	۰,۶۰۳	۰,۲۵۲	۳,۷۰۵	وضعیت مهاجرت
۰,۰۰	۳۴,۰۷۲		۰,۴۳۸	۱۴,۹۱۸	مقدار ثابت
۰,۰۰	۱۵,۱۶۵	۰,۶۴۳	۰,۲۶۱	۳,۹۵۲	وضعیت مهاجرت
۰,۰۰	۳,۱۹۲	-۰,۱۳۵	۰,۰۹۷	-۰,۳۰۹	تحصیلات
۰,۰۰	۲۱,۵۸۸		۰,۷۷۴	۱۶,۷۱۲	مقدار ثابت
۰,۰۰	۱۵,۳۸۱	۰,۶۴۷	۰,۲۵۸	۳,۹۷۴	وضعیت مهاجرت
۰,۰۰	۳,۹۲۲	-۰,۱۷۳	۰,۱۰۱	-۰,۳۹۶	تحصیلات
۰,۰۰	۲,۷۹۹	-۰,۱۱۸	۰,۵۲۴	۱,۴	اشتغال

از بین متغیرهای مستقل فقط متغیرهایی که تاثیر آن‌ها معنادار بوده است در مدل باقی مانده‌اند و دیگر متغیرهای مستقل (نظیر سن و جنس) از مدل حذف شده‌اند. مطابق با جدول مذکور مقدار بتا (Beta) برای متغیر مستقل وضعیت مهاجرت برابر با ۰,۶۰۳ بوده است که مقدار آن با ورود متغیر مستقل تحصیلات (در مدل دوم) به ۰,۶۴۳ افزایش یافته است. ورود متغیر اشتغال در مدل سوم، تغییر مثبت اندکی در اثر وضعیت مهاجرت داشته است. مقدار بتا برای متغیر تحصیلات با ورود هم‌زمان متغیر وضعیت مهاجرت برابر با ۰,۱۳۵- بوده است که با ورود متغیر اشتغال به ۰,۱۷۳- افزایش یافته است. مقدار بتا برای متغیر اشتغال نیز با کنترل وضعیت مهاجرت و تحصیلات برابر با ۰,۱۱۸- بوده است. وضعیت مهاجرت بیشترین تاثیر را بر کیفیت زندگی اعمال کرده است در حالی که کمترین تاثیر به اشتغال تعلق داشته است.

ضریب تعیین نشان‌دهنده آن است که متغیر مستقل وضعیت مهاجرت به‌تنهایی حدود ۳۶ درصد از تغییرات کیفیت زندگی را تبیین می‌کند (جدول ۱۵). درصد تبیین متغیر وضعیت مهاجرت با ورود متغیر مستقل تحصیلات برابر به حدود ۳۸ درصد و با ورود متغیر مستقل وضعیت اشتغال به حدود ۳۹ درصد افزایش می‌یابد. به‌عبارت دیگر می‌توان گفت که متغیر مستقل وضعیت مهاجرت می‌تواند ۳۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کند که مقدار آن با ورود سایر متغیرهای مستقل به ترتیبی که ذکر گردید تغییر می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که با توجه به مقدار ضریب تبیین واقعی برآورد شده، تأثیر متغیر وضعیت مهاجرت بر کیفیت زندگی بیشتر از دیگر متغیرها می‌باشد.

جدول ۱۵: آماره‌های تحلیل رگرسیون چندمتغیره

مدل	متغیر	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده	اشتباه معیار
اول	وضعیت مهاجرت	۰,۶۰۳	۰,۳۶۳	۰,۳۶۲	۲,۴۵۶
دوم	وضعیت مهاجرت - تحصیلات	۰,۶۱۷	۰,۳۸۰	۰,۳۷۷	۲,۴۲۷
سوم	وضعیت مهاجرت - تحصیلات - وضعیت اشتغال	۰,۶۲۷	۰,۳۹۳	۰,۳۸۸	۲,۴۰۵

## بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در تمامی نظریات مربوط به کیفیت زندگی به‌گونه‌ای به آن اشاره شده است، مفهوم بهزیستن انسان بوده است. بهزیستی شرایطی است که در آن توانایی بالقوه افراد بهبود یابد و آنها بتوانند از استانداردهای مناسب زندگی برخوردار شوند. اساس کار و رفتار انسان بر پایه محاسبه و مقایسه دردها و لذت‌هاست. افراد به دنبال رفع نیازهای خود می‌باشند. نیاز، شکاف میان وضعیت موجود با وضعیت مطلوب است. در طرف دیگر با مهاجرت روبه‌رو هستیم. مهاجرت یک فرآیند مهم است که واکنش مردم نسبت به عواملی از قبیل نابرابری‌های اقتصادی منطقه‌ای، ناکامی‌های اجتماعی و عدم رضایت در بسیاری از جنبه‌های زندگی را منعکس می‌کند. تفاوت‌های توسعه و سطح زندگی میان مراکز مهاجر فرست و مهاجرپذیر سبب دفع از منطقه و جذب به سوی منطقه‌ای دیگر می‌گردد. هدف اصلی این پژوهش دستیابی به شناختی نسبتاً جامع از وضعیت موجود کیفیت زندگی و ابعاد مختلف اثرگذار بر آن میان دو گروه مهاجر و غیر مهاجر بوده است. اینکه آیا مهاجرت افراد به افزایش کیفیت زندگی آنها منجر شده است یا خیر سوال اصلی تحقیق بوده است.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مهاجرین دارای وضعیت اقتصادی بهتری نسبت به غیر مهاجرین بودند. این رضایت از بعد اقتصادی، هم جنبه ذهنی و هم عینی کیفیت زندگی مهاجران را شامل می‌شود. اشتغال بالاتر مهاجران نسبت به غیر مهاجران و مرتبه پایین شغلی غیر مهاجران که اکثراً به کارهای کشاورزی مشغول هستند در پایین‌تر بودن بعد اقتصادی-ذهنی و یا به عبارتی رضایت شغلی آنان تأثیرگذار می‌باشد. میزان بیکاری بالای شهرستان کوه‌دشت بر نتایج تحقیق صحه می‌گذارد. پایین‌تر بودن میانگین بعد کالبدی کیفیت زندگی در خانواده‌های غیر مهاجر در سطح ذهنی نشان‌دهنده‌ی نارضایتی آنان از وضعیت نامطلوب زیرساخت‌ها، وضعیت حمل و نقل و مواردی چون تسهیلات و استحکام مسکن می‌باشد. این در حالی است که نتایج مربوط به بعد کالبدی-عینی، وضعیت غیر مهاجران را اندکی بهتر از مهاجران نشان داده است. با در نظر گرفتن زیر شاخص‌های مورد سنجش در این بعد، مطلوب‌تر بودن وضعیت

خانواده‌های غیر مهاجر در بعضی موارد امری منطقی به نظر می‌رسد و دلیل این امر مساحت زیربنا و تعداد اتاق‌های موجود در واحدهای مسکونی غیر مهاجران با توجه به قیمت پایین زمین مسکونی و در دسترس بودن آن برای افراد این گروه می‌باشد.

بررسی بعد اجتماعی-فرهنگی کیفیت زندگی خانواده‌های مهاجر و غیر مهاجر نشان از مطلوب‌تر بودن این بعد از کیفیت زندگی در بین مهاجرین دارد. به‌گونه‌ای که رضایت افراد مهاجر از امکانات فرهنگی، بهداشتی-درمانی، ورزشی، تفریحی و امنیت شهر قدس بیشتر از غیر مهاجرانی می‌باشد که در شهر کوهدشت یا مناطق روستایی آن ساکن می‌باشند. از طرفی علاوه بر رضایت اندک افراد غیر مهاجر از امکانات ذکرشده، با سنجش بعد عینی اجتماعی-فرهنگی مشخص شد که این افراد به دلیل کمبود امکانات فرهنگی در محل زندگی خود دسترسی اندکی به امکاناتی چون کتابخانه و آموزشگاه‌های هنری دارند. همچنین کمبود امکانات بهداشتی-درمانی چون بیمارستان، مراکز بهداشتی-درمانی و داروخانه‌ها در شهرستان کوهدشت باعث پایین‌تر بودن این بعد از کیفیت زندگی افراد غیر مهاجر شده است. به‌علاوه، کمبود امکانات آموزشی چون تعداد مدارس و مدارس نوساز در این شهرستان نیز تأثیر به‌سزایی در کاهش بعد عینی اجتماعی-فرهنگی کیفیت زندگی ساکنان آن داشته شده است.

سنجش بعد محیطی-ذهنی کیفیت زندگی از طریق زیرشاخص‌هایی چون رضایت از پاکیزگی و سکوت و آرامش محل زندگی صورت گرفت. نتایج حاصل از آن رضایتمندی بیشتر مهاجران را نسبت به غیر مهاجران نشان می‌دهد به‌گونه‌ای که در مجموع رضایت افراد مهاجر از پاکیزگی و سکوت و آرامش محل زندگی خود از افراد غیر مهاجر بیشتر بوده است. بعد محیطی-عینی کیفیت زندگی به‌وسیله وضعیت جمع‌آوری زباله و آلودگی صوتی محل زندگی مورد سنجش قرار گرفت که نتایج حاصل از آن نشان داد که بین وضعیت جمع‌آوری زباله‌ها، آلودگی صوتی و وضعیت سکونت وضعیت رسیدگی و جمع‌آوری زباله‌ها در محل سکونت مهاجران در شهر قدس بهتر از محل سکونت غیر مهاجران در شهر و روستاهای کوهدشت بوده است. این در حالی است که آلودگی صوتی سنجیده شده توسط صداهایی چون رفت و آمد

ماشین، کارگاه‌ها و افراد، در محل سکونت غیر مهاجران کمتر بوده است و آنان از وضعیت بهتری برخوردار بوده‌اند. این برتری می‌تواند ناشی از سکونت اکثر پاسخگویان غیر مهاجر در محیط‌های کوچک و روستایی باشد که به دوراز هرگونه صداهاى آزاردهنده می‌باشند.

به طور کلی نتایج مربوط به این پژوهش حاکی از این بود که مهاجران کوهدشتی ساکن در شهر قدس از وضعیت کیفیت زندگی مطلوب‌تری نسبت به خانواده‌های غیر مهاجر برخوردار بوده‌اند به طوری که در بیشتر ابعاد مورد بررسی گروه مهاجرین دارای میانگین بالاتری نسبت به غیر مهاجرین بوده‌اند. این نتیجه تقریباً با نتایج مطالعات قبلی که تجربه مهاجرتی به بهبود کیفیت زندگی منجر شده است هماهنگ بوده است.

بر اساس نتایج حاصله، پیشنهاد می‌شود دولت و بخصوص سازمان‌های مرتبط با این موضوع، با کسب شناخت دقیق عوامل موثر بر کیفیت زندگی مهاجرین و غیر مهاجرین، سیاست‌هایی را در خصوص کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و مدیریت مهاجرت اعمال کنند. از یک طرف می‌توانند عوامل ایجاد کننده کاهش کیفیت زندگی در مبدا مهاجرت را شناسایی کرده و با رفع آنها از مهاجرت به مناطق حاشیه‌نشین که خود مبدا بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است جلوگیری کنند. توسعه مناطق روستایی و استان‌های کمتر توسعه‌یافته نمونه‌ای از این اقدامات می‌باشد. از طرف دیگر، دولت می‌تواند با بهبود مناطق مهاجرپذیر نظیر مناطق حاشیه‌ای شهرهای بزرگ، کیفیت زندگی مهاجرین در مقصد را افزایش دهد.

## منابع

- جمعه‌پور، محمود و هدایت عیدی تراکمه (۱۳۹۲). "پژوهش کیفی درباره کیفیت زندگی مهاجران فصلی نیروی کار جوان روستایی از شهرستان کلبر به تهران"، *توسعه روستایی*، دوره پنجم، شماره ۱، صص ۱۱۱-۱۳۲.
- ربانی خوراسگانی، علی و مسعود کیان‌پور (۱۳۸۴). "درآمدی بر رویکردهای نظری و تعاریف عملی مفهوم کیفیت زندگی"، *مددکاری اجتماعی*، شماره ۲۴، صص ۴۲-۵۷.

- زیاری، کرامت‌اله، علی مهدی و معصومه مهدیان بهنمیری (۱۳۹۳). "بررسی و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی در شهروندان مهاجر و غیر مهاجر (مورد پژوهش: شهر قم)", *دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، سال پنجم، شماره ۱، صص ۵۵-۷۸.
- شفیعی کاخکی، مریم (۱۳۹۰). "مهاجرت، نابرابری درآمد یا ارتقاء کیفیت زندگی"، *فصلنامه اقتصاد کاربردی*، سال دوم، شماره چهارم، صص ۸۹-۱۱۲.
- غفاری، غلامرضا و عادل ابراهیمی لویه، (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی*، چاپ هفتم، تهران: نشر لویه.
- غفاری، غلامرضا و رضا امیدی (۱۳۸۸). *کیفیت زندگی: شاخص توسعه توسعه اجتماعی*، تهران: نشر شیرازه.
- فرجی ملایی، امین و آزاده عظیمی (۱۳۸۹). "تحلیل ابعاد کیفیت زندگی در نواحی شهری ایران"، *پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، شماره ۲، صص ۱-۱۶.
- فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۵). *نظریه‌های جدید رفاه*، ترجمه هرمز همایون پور، تهران: انتشارات مؤسسه تأمین اجتماعی تهران.
- کیانی فلاورجانی، الهه (۱۳۹۲). "مطالعه تطبیقی عوامل مرتبط باکیفیت زندگی مهاجرین و غیر مهاجرین"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵*، تهران: مرکز آمار ایران.
- نقدی، اسدالله و حیدر بابایی (۱۳۹۴). "مروری بر شاخص‌ها و مولفه‌های کیفیت زندگی شهری (مورد مطالعه شهر همدان)"، *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*، سال هفتم، شماره بیستم و سوم، صص ۱-۱۴.
- Barbiano di Belgiojoso, Elisa, Eralba Cela, and Stefania Maria Lorenza Rimoldi (2020). "The Effect of Migration Experiences on Wellbeing among Ageing Migrants in Italy", *Social Indicators Research*, <https://doi.org/10.1007/s11205-020-02335-6>.
- Haslauer Eva, Elizabeth C. Delmelle, Alexander Keul, Thomas Blaschke and Thomas Prinz (2014). "Comparing subjective and objective quality of life criteria: a case study of Green Space and Public Transport in Vienna, Austria", *Soc Indic Res*, DOI 10.1007/s11205-014-0810-8.
- Lee, Yung-Jaan (2008). "Subjective quality of life measurement in Taipei", *Building and Environment*, 43:1205-1215.
- Malkina-Pykh, Irina G. and Yuri A. Pykh (2008). "Quality-of-life indicators at different scales: theoretical background", *Ecological Indica*, 8:854-862.

- Nabi, Fatahi (2014). "The Impact of the Migration on Psychosocial Well-Being: A Study of Kurdish Refugees in Resettlement Country", *Community Medicine & Health Education*, 4(2): DOI: 10.4172/2161-0711.1000273
- Pacheco, G.A., Rossouw, S. and Lewer, J. (2013). "Do Non-Economic Quality of Life Factors Drive Immigration?", *Social Indicators Research*, 110(1-15). <https://doi.org/10.1007/s11205-011-9924-4>.
- Phillips, D. (2006). *Quality of life: Concept, policy and practice*: Routledge.
- Santos Luis Delfim and Isabel Martins (2007). "Monitoring urban quality of life: the Porto experience", *Social Indicators Research*, 80: 411-425.
- Sores, A. and Karoly Peto (2015). "Measuring of subjective quality of life", *Procedia Economics and Finance*, 32:809-816.
- Williams, Anne S. and Patrick C Jobs (1990). Economic and Quality-of-Life Considerations in Urban-Rural Migration, *Journal of Rural Studies*, 6 (2):187-194.



Original Research Article ■

---

**The Effect of Migration on Quality of Life: A Case Study of Migrant Families from Kouhdasht County Living in Shahr-e-Ghods and their Non-migrant Counterparts in the County**

Javad Haddadi-Nasab<sup>1</sup>, Hossein Mahmoudian<sup>2</sup>

**Abstract** Migration from less developed to more developed areas is the general pattern of migration in developing countries. Such migration is mainly done to increase the quality of life as a response to inter-regional inequalities. This study tries to answer the question of whether the migration affects the quality of life. The target population includes the heads of migrant families from Kouhdasht county living in Shahr-e-Ghods and their counterparts in the the country. The required information was obtained through a questionnaire using the survey method. Using the random sampling method, 400 households (200 migrants and 200 non-migrants) were selected. In order to test the research hypotheses, statistical techniques of t-test, chi-square and multivariate regression were applied. The results show that migrant families, on the whole, have a relatively better quality of life than their non-migrant counterparts. Those with less education and unemployed individuals have reported a higher quality of life. Inequality in the social and economic amenities between the two regions and differences in the social and economic characteristics of migrants and non-migrants are the main explanatory factors.

**Keywords** Quality of Life, Migrant, Non-Migrant, Kouhdasht, Shahr-e-Ghods.

---

Received: 25 November 2019

Accepted: 29 December 2020

1 MA Student in Demography, University of Tehran, javadhadadi1992@gmail.com

2 Associate Professor of Demography, University of Tehran (Corresponding Author), hmahmoud@ut.ac.ir

Doi: [10.22034/jpai.2021.117543.1129](https://doi.org/10.22034/jpai.2021.117543.1129)